

فرهنگی

در حاشیه سفر هند (قسمت اول)

عصر یکی از روزهای ماه آخر سال ۱۳۸۵ در حال استراحت بودم که تلفن زنگ زد و برگزیده شدن مجله آینده پژوهش و سفر خارج از کشور (اروپا) را خبر داد. این سفر علمی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تدارک دیده و بخش رسانه وزارت خارجه عهده دار اجرای آن شده بود.

موضوع را با سردبیر محترم مجله برادر با فضل و فضیلت و دانشمند حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی راد در میان گذاشتم و سپس موضوع را به اطلاع مدیر مسئول مجله استاد گران قدر حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی سبحانی رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم رساندم، و این دو بزرگوار کریمانه این سفر را به بنده سپردند.

این سفر به منظور بازدید از مراکز مطبوعاتی، خیرگزاری‌ها، نشریات، و آشنایی با دستاوردهای علمی و پژوهشی رسانه‌ای کشورهای آلمان، فرانسه، روسیه، هند، ترکیه و... تدارک دیده شده بود و بالأخره ما عازم هند شدیم.

در این سفر، هشت نفر دیگر از همکاران مطبوعاتی که در سال ۱۳۸۵ نشریه شان برتر شناخته شده بود، مانند: بینات، حکومت اسلامی، فرهنگ مردم، طب گیاهی و... نیز حضور داشتند. با برنامه‌ریزی و هماهنگی ستودنی

بخش رسانه وزارت خارجه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - که باید صمیمانه از همه دست اندرکاران این برنامه تشکر کنم - بعد از یک روز تمام پودمان آموزشی - که از کم و کیف آن بگذریم - مقدمات سفر مهیا و پاسپورت‌ها و ویزاها آماده شد؛ ولی متأسفانه سفارت کشور هند به سختی ویزا صادر کرد و باعث شد تا گروه ما آخرین هیئت اعزامی باشد.

به هر حال، روز سه شنبه (۸/۱۲/۸۵) ساعت سه بعدازظهر به اتفاق سردبیر مجله حکومت اسلامی و مدیر مسئول مجله بینات و بنیاد، قم را به قصد فرودگاه امام خمینی (ره) ترک کردیم. پس از انجام برخی از کارهای اداری پرواز، و وقت نماز مغرب فرارسید و صدای خوش اذان حال و هوای سالن انتظار را دگرگون کرد. نماز را در یک مکان نامناسب و کاملاً قناس که با یک تخته فرش دوازده متری فروش بود و آن هم از همه طرف جمع شده بود و ظرفیت حداکثر بیست نفر را فقط برای آقایان داشت، به جا آوردیم. پس از نماز عازم قطر شدیم. در قطر مدتی فرصت برای پرواز به هند داشتیم. برای لختی استراحت، به نمازخانه آنجا رفتیم و افسوس خوردیم وقتی دیدیم که نمازخانه آنان در بهترین جای سالن انتظار قرار دارد، با چشم انداز بسیار زیبا، موکت‌های قرمز و بسیار تمیز و نمای تمام شیشه‌ای و با ظرفیت حدود ۲۰۰ نفر.

صبح روز چهارشنبه ۹/۱۲/۱۳۸۵ موقع نماز صبح وارد فرودگاه دهلی پایتخت کشور هند شدیم. جمعیت بسیار زیادی را با تنوع رنگ در البسه و ابدان دیدیم، در صفوفی بسیار منظم.

هر چه از نمازخانه و جهت قبله پرسیدیم، نتیجه‌ای نگرفتیم. فضای بسیار غریب و حال و هوای عجیبی بود، بالاخره چشممان به جمال جناب آقای اسدی، مسئول امور رسانه سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی، روشن شد. تکه کارتنی پیدا کردیم و نمازی به جا آوردیم، سپس به اتفاق ایشان به مهمان‌سرای «مرکز فرهنگ اسلامی» که برای اسکان ما در نظر گرفته شده بود، رفتیم.

سفیر ایران در هند قبل از ظهر، ما را به حضور پذیرفت و جلسه‌ی معارفه‌ای با حضور نمایندگان صدا و سیما و ایرنا در دهلی برگزار شد. گفتگوی بسیار صمیمانه و مفیدی بود. بعد از ظهر هم از مرکز چاپ و نشر مؤسسه انتشاراتی (kerest) کرست، ناشر فصلنامه فونیکس (Phonix)، بازدید کردیم؛ مؤسسه‌ای با پیشرفته‌ترین امکانات و سیستم‌های کامپیوتری و دستگاه‌های مدرن لیتوگرافی و چاپ در دنیا اما خصوصی که در یک ساختمان سه طبقه معمولی که در کوچه‌ای چهار متری واقع شده بود.

در روز دوم سفر به دیدار خانه فرهنگ ایران رفتیم و با مرکز میکرو فیلم نور که مرکز موفقی در رصد و به چنگ آوردن نسخ خطی و تهیه میکرو فیلم دارد، آشنا شدیم. خانه فرهنگ ایران دو فصلنامه یکی به زبان فارسی و دیگری به زبان هندی و انگلیسی منتشر می‌کند. در آنجا نوشتن شجره‌نامه معصومین (ع) بر روی پوست آهو و کاغذهای پایپروس با آب طلا به وسیله شیعیان هند توجهمان را جلب کرد. در پایان، نرم افزاری حاوی فهرست میکرو فیلم‌های موجود و

یک نسخه کتاب به ما هدیه شد که بسیار مشعوف شدیم. بعد از ظهر هم به دیدار اثر باستانی و کهن همایون تمب رفتیم.

روز سوم را با دیدار از مؤسسه انتشاراتی India Today آغاز کردیم؛ مؤسسه ای شخصی با چندین روزنامه، نشریه و خبرگزاری و کانال تلویزیونی. با مدیر مسئول آن گپ و گفت خوبی داشتیم که بسیار راحت و صمیمانه به سؤالات ما پاسخ داد و اظهار خوشحالی کرد که در جمع همکاران مطبوعاتی غیر هم وطن و ایرانی است. سپس به اتفاق یکی از مدیران ارشد مؤسسه که فارسی هم صحبت می کرد، از بخش های مختلف مؤسسه دیدن کردیم و ابتدا توضیح مفصلی داد از خدایشان (!) که از فلز بسیار گران قیمت تهیه و در جای مخصوص و در محل ورودی مؤسسه نصب شده بود.

وی با سعه صدر و بردباری و چهره ای خندان، ما را به قسمت های مختلف روزنامه، نشریات، خبرگزاری برد و به توضیح چگونگی ورود و خروج، پردازش و نهایتاً روی آنتن رفتن اخبار و اطلاعات پرداخت. از ایران خاطرات بسیار خوشی داشت و گفت که چندین بار به نمایشگاه بین المللی کتاب تهران آمده است.

روز چهارم، یکشنبه ۱۳ اسفند، مصادف بود با روز جشن رنگ ها (holy color). در این روز هندوها به مناسبت فرارسیدن فصل بهار به جشن و پایکوبی می پردازند و به یکدیگر رنگ می پاشند. ما از ترس رنگی شدن، خود را در منزل حبس کردیم و حوالی عصر برای هواخوری به پارکی که نزدیک محل اقامتیمان بود، رفتیم و یکی-دو ساعتی از انواع گل ها، درختان سربه فلک کشیده و بسیار زیبا، حیوانات مختلف که به گونه ای مسالمت آمیز در کنار هم بودند، انواع پرندگان خصوصاً طوطیان، دیدن کردیم و از طبیعت ناب و هوای بسیار سالم و صاف آنجا بهره بردیم.

بسیاری از مردم محلی هم برای تفریح یا برای ورزش آمده بودند. برخی از آنان

به صورت دسته جمعی یا انفرادی مشغول ورزش یوگا بودند و عده ای هم مطالعه یا بحث می کردند. آنچه بیش از همه توجه مرا جلب کرد و مرا ادا داشت تا عکس بگیرم، حضور خانم های جوانی بود که چوب های بسیار بلندی داشتند و بر سر آن، داسی را محکم بسته بودند و با آن، شاخه های خشک درختان را قطع می کردند تا از هیزم آن استفاده کنند.

روز پنجم به شهر معابد واقع در حاشیه شهر دهلی به دیدار خدایان هندوها رفتیم. سوگمندها باید اعتراف و اذعان داشت که حتی امروزه هم با وجود تمام پیشرفت های بشر در زمینه های مختلف علوم و فنون، انسان های سوذجویی یافت می شوند که از فطرت پاک انسان ها سوء استفاده می کنند و در پی بهره بردن از جهل و عوام زدگی مردم اند. معابد هندوها بسیار زیبا، خوش رنگ و تمیز بود و بازدید کنندگان گوناگون را تحت تأثیر قرار می داد. برخورد خوش متولیان معبدها خصوصاً با توریست ها و پیروان دیگر ادیان بسیار جالب بود. این وضع در مورد مساجد آنجا کاملاً برعکس بود. وضع بسیار نامناسب و محیط کثیف مساجد، آه از نهاد ما بلند می کرد.

بعد از ظهر هم به دیدار معبد نوساز و بسیار هنرمندانه ای رفتیم که هر بیننده ای را مجذوب و مدهوش می کند. در حاشیه شهر دهلی، «معبد آکشاردام» قرار دارد که اخیراً به وسیله دولت طی پنج سال با حدود شش هزار معمار، مهندس، هنرمند و کارگر در زمین چند هکتاری تراشیده شده است. این معبد بسیار زیبا و دیدنی که ورودی گران قیمتی هم دارد، مانند کوه عظیم سنگی است که به رنگ شکلاتی بسیار خوش رنگ با هنرمندانه ترین وجه ممکن تراشیده شده است. گفته می شود که این محل را برای تحت شعاع قرار دادن تاج محل ساخته اند. تاج محل ساختمانی است عظیم که آن را با معماری اسلامی-ایرانی ساخته اند. شاید این امر یکی از اهداف ساخت این معبد بسیار

بزرگ باشد. برای ساخت این معبد هزینه کلان و گزافی صرف شده است؛ فقط آب نمای معبد میلیاردها روپیه هزینه برداشته است. این در حالی است که فقر در هند بیداد می کند و انسان های بسیاری هستند که تنها برای اسکان و دو وعده غذا شبانه روز باید کار کنند. به طور کلی مردم هند، مردمی فقیرند. بسیاری از آنان از امکانات ضروری زندگی محروم اند و ظاهراً این وضع را پذیرفته اند. آنها نه توقعی از دولت دارند و نه دولت با آنان کاری دارد و حتی برخی از آنان در پیاده روها به دنیا می آیند، بزرگ می شوند، ازدواج می کنند و در همان جا هم می میرند.

آخرین روز سفرمان به دیدار از «تاج محل» در شهر آگرا گذشت. این شهر در دوست کیلومتری دهلی در ایالت اوتارپرداش واقع است و اکثریت سکنه آن را مسلمانان تشکیل می دهند. تاج محل یکی از بناهای مهم و تاریخی هفت گانه جهان است. در سال ۱۶۳۱ همسر شاه جهان امیر گورکانی، پنجمین پادشاه مغول در هند، هنگام وضع حمل می میرد و این بنای عجیب، مقبره «ارجمند بانو بیگم» ملقب به ممتاز است. مساحت ساختمان حدود پنجاه متر مکعب است که بر روی کرسی و تخته ای عظیم در اندازه ۱۰۰×۱۰۰ متر، با زیباترین و سفیدترین سنگ های دنیا در باغی هیجده هکتاری ساخته شده است. این بنا که به سبیل عشق، وفا و اخلاص معروف است، در طول ۲۲ سال، به دست هنرمندان ایرانی ساخته شد. معروف است که یکی از ملکه های انگلیس وقتی از تاج محل دیدن می کند، می گوید: اگر مطمئن بودم که پس از مرگ برایم چنین مقبره ای می سازند، همین الآن می مردم. همچنین نقل شده است که یکی از رؤسای جمهور آمریکا وقتی تاج محل را می بیند، می گوید: مردم دنیا دو دسته اند: آنها که تاج محل را دیده اند و آنها که ندیده اند. در این سفر جناب آقای اسدی جوان خوش سیما و خنده بر لب در هند همراه، مترجم و همگام با ما بود.



آشنایی با هند و فرهنگ آن و شناسایی و کشف نویسندگان و صاحبان فکر و اندیشه و آثار مکتوب و غیر مکتوب آن دیار خصوصاً شیعیان آنجا، مجال و فرصتی حداقل سه ماه را می طلبد.

دیدار از مرکز علمی- فرهنگی، دانشگاه ها و گفتگو با شخصیت های علمی قطعاً سودمند است، به ویژه برای اصحاب قلم و صاحبان مطبوعات که قطعاً در نوع نگاه آنان به فرهنگ و فرهنگ سازی مؤثر خواهد بود. از این رو، تدارک چنین سفرهایی از جهات مختلف امری پسندیده و گاه ضروری است.

یدالله جنتی

*

هندوستان مهد مطبوعات

از انتشارات شبنامه ها و اطلاعیه های تک برگی در قرن هفدهم میلادی که بگذریم آغاز تاریخ مطبوعات در هند به ۲۲۵ سال قبل برمی گردد. یک جراح انگلیسی به نام «جیمز آگوستوس هیکی» (James Augustus Hicky) برای اولین بار با انتشار یک هفته نامه دو صفحه ای به نام کلکته گرت (Gazette) در ۲۹ ژانویه ۱۷۸۰ پایه گزار مطبوعات در سرزمین هند شد. این مجله شامل ستونی نیز به زبان فارسی بود که اخبار دهلی و قلعه سرخ (دربار پادشاه) در آن منعکس می گردید. هیکی از منتقدین سرسخت کمپانی هند شرقی بوده و برای آزادی بیان و شبه قاره تلاش زیادی به عمل آورد ولی در پی بدرفتاری انگلیسی ها با وی، روزنامه وی تعطیل و خود او نیز به موطنش بازگشت. پس از وی «راجا رام موهان روی» (Raja Ram Mohan Roy) (۱۸۳۳-۱۷۷۲) که از او به عنوان «سازنده هند نوین» یاد می شود، پس از آنکه دو هفته نامه به زبان های انگلیسی و بنگالی در سال ۱۸۲۱ تأسیس نمود، هفته نامه فارسی زبان «مرآت الاخبار» را نیز در سال ۱۸۲۳ پایه گذاری کرد؛ اگر چه پس از چند شماره، در اعتراض به سیاست های استبدادی دولت در قبال مطبوعات،

انتشار آن را متوقف ساخت.

جالب آنکه روزنامه حیل المتین که اولین روزنامه فارسی زبان ایران محسوب می شود، نیز در هند چاپ می شده است. این روزنامه در سال ۱۲۶۷ قمری (۱۳۱۱ شمسی) توسط آقا سید جلال الدین حسینی در کلکته تأسیس شد. وی که همزمان با انقلاب مشروطه به هندوستان رفته و تألیفاتی نیز به زبان انگلیسی داشته، در سال ۱۳۱۶ از طرف دولت ملقب به «مؤیدالاسلام» شد. روزنامه حیل المتین از جمله روزنامه هایی است که از سوی شورای ساماندهی میراث مطبوعات ایران گردآوری و تکثیر گردیده و هم اکنون در ۲۶ مجلد در کتابخانه ملی و سایر کتابخانه های بزرگ کشور موجود می باشد. مؤیدالاسلام همچنین روزنامه مفتاح الظفر را نیز در کلکته منتشر نمود.

هم اکنون روزنامه های انگلیسی زبان «Statesman»، «Pioneer» و «Hindu» از قدیمی ترین روزنامه های در حال انتشار در هند هستند که تاریخ تأسیس آنها به ترتیب به ۱۸۱۸، ۱۸۶۴ و ۱۸۷۸ برمی گردد. در دوره استعمار انگلیس مطبوعات تحت فشار و سانسور سختی از سوی انگلیسی ها اداره می شد و حتی خواندن روزنامه تنها در میان طبقه خاصی از بورو کراتهای انگلیسی معمول بود. اما در جریان مبارزات استقلال طلبانه هند، مطبوعات به صورت فعال تری رشد کردند و حتی از خود «مهاتما گاندی» نیز به عنوان یک روزنامه نگار فعال یاد می شود. در سال ۱۹۵۰ با تصویب قانون اساسی در کشور، مطبوعات هند به عنوان چهارمین رکن دموکراسی در کشور مطرح گردید.

هند هم اکنون بزرگترین کشور در زمینه چاپ مطبوعات است و حجم مطبوعات این کشور هر روز شاهد افزایش می باشد. آمار رسمی ارائه شده تا پایان ماه مارس ۲۰۰۶، حاکی از تعداد ۶۲۴۸۳ روزنامه و نشریه در حال انتشار در سراسر هند می باشد که نسبت به سال قبل، تعداد ۲۰۷۰ مورد افزایش یافته

است. این بدان معنی است که روزانه ۵ تا ۶ رسانه نوشتاری جدید در هند متولد می گردد. رسانه های نوشتاری در این کشور به ۱۲۶ زبان مختلف یافت می شوند.

فقط مجموعه شمارگان روزنامه هایی که گزارش اظهارنامه سالانه خود را در دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ به اداره ثبت مطبوعات هند ارائه کرده اند، بیش از ۱۸۰ میلیون نسخه در روز بوده است. ایالت های دهلی و اوتارپرادش بیشترین عناوین و بیشترین شمارگان مطبوعات را در میان ایالت ها به خود اختصاص داده اند. روزنامه «Times of India» با حدود ۲/۸ میلیون نسخه تیراژ (در مجموع edition خود) از سال ۲۰۰۴ توانست روزنامه «USA Today» آمریکا را پشت سر گذاشته و به رتبه پرتیراژترین روزنامه انگلیسی زبان جهان برسد. بر اساس طبقه بندی وزارت اطلاع رسانی هند، روزنامه بالای ۱۵۰ هزار تیراژ، هفته نامه بالای ۷۵ هزار و ... مطبوعات بزرگ شناخته می شوند.

منابع:

- Rezwan Ullah, " Mission lost wilderness", Milli Gazette, 15/07/ 2001, accessible at: <http://www.milligazette.com/Archives/150722001/Art5ts.htm>
- Indo- Asian News Service, "James A. Hicky, a pioneer of Indian Journalism, Remembered", 10/ 02/ 2006, accessible at: <http://www.iacfpa.org/p-news/nit/iacpa-archieve/2006/02/10Newsmakers163326.shtml>
- Ministry of Human Resource Development (Government of India), "Report of the Committee for promotion of Urdu 1975", accessible at: <http://www.education.nic.cd50years/tu/47/3Y/473Y0701.htm>
- Annual Report of Registrar of Newspapers for India (2005 - 2006). accessible at: <http://www.rni.nic.in/pii.htm>.

سعید اسعدی

*